

# The Impact of Media and Cyberspace (Social Networks) on Terrorist Activities in Southeast Iran (Case Study: Jundallah)

1. *Mohammadhadi. Tehrani Moghadamn*
2. *Ahmadreza. Taheri\**
3. *Saeid. Mohammadi Sadegh*

1. PhD student of Political Science Department, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran
2. Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Zahedan Branch, Zahedan, Iran
3. Assistant professor social sciences, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

Email: taheri.political@gmail.com Received: 27.10.2023 Acceptance: 02.02.2024

*Journal of  
Socio-political studies of Iran's  
History and Culture*

eISSN: 2980-9770  
<http://journalspsich.com>  
Vol. 2, No 4, Pp: 397-425  
Winter 2023

## Original research article

### How to Cite This Article:

Tehrani Moghadam, M., Taheri, A., & Mohammadi Sadegh, S. (2023). The Impact of Media and Cyberspace (Social Networks) on Terrorist Activities in Southeast Iran (Case Study: Jundallah), *spsich*, 2(4): 397-425.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

## Abstract

In recent years, terrorist groups have utilized media and cyberspace to create significant changes in the field of terrorism. This phenomenon is evident in the terrorist activities of the past decades in southeast Iran, particularly in the approach of the Jundallah group to influence public opinion through media and cyberspace. This study aims to examine the impact of media and cyberspace on terrorist activities in southeast Iran (Jundallah group) using a qualitative method and grounded theory. Information and data were collected through library research using note-taking tools and field research using semi-structured interviews. After 26 interviews with experts, scholars, and knowledgeable locals, saturation was reached. Initial coding resulted in 84 codes, secondary coding yielded 166 codes, and conceptual coding produced 65 concepts. Ultimately, 18 major categories were extracted from the 65 concepts, leading to the conclusion that the most significant category is "preventive strategies." This category includes technological strategies, educational and cultural strategies, and monitoring and control strategies, comprising five specific strategies: 1) education, 2) cultural development, 3) information dissemination, 4) content production, and 5) monitoring and control. These strategies must be employed with full force to counter the media of these groups, not relying solely on domestic social networks and news agencies but also by actively engaging on foreign social media platforms to monitor their media activities continuously and provide counter-psychological action packages.

**Keywords:** Baluchistan, terrorism, media, social networks, cyberspace.

# تأثیر رسانه و فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی) در اقدامات تروریستی جنوب شرق ایران (مورد مطالعه جندالله)

محمد هادی طهرانی مقدم<sup>۱</sup>  
احمد رضا طاهری<sup>۲\*</sup>  
سعید محمدی صادق<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری تخصصی گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران  
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران  
۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷ | پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ | ایمیل نویسنده مسئول: taheri.political@gmail.com

## چکیده

در سال‌های اخیر، گروه‌های تروریستی با بهره‌گیری از رسانه و فضای مجازی، دگرگونی‌های قابل توجهی را در زمینه‌ی تروریسم پدید آورده که نمود آن را می‌توان در اقدامات تروریستی دهه‌های اخیر در جنوب شرق کشور بویژه رویکرد گروهک جندالله به تأثیرگذاری بر افکار عمومی با استفاده از رسانه و فضای مجازی مشاهده کرد. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی جنوب شرق ایران (گروهک جندالله) به روش کیفی و شیوه‌ی گراندتئوری با استفاده از اطلاعات و داده‌های گردآوری شده به روش کتابخانه‌ای با ابزار فیش برداری و روش میدانی با ابزار مصاحبه از نوع نیمه‌ساختارمند که پس از ۲۶ مصاحبه با اساتید، صاحب‌نظران و افراد آگاه محلی به حد اشباع رسید، صورت گرفت که در کدگذاری اولیه، تعداد ۸۴ کد و در کدگذاری ثانویه ۱۶۶ کد از مصاحبه‌های انجام شده استخراج گردید که در کدگذاری مفهومی ۶۵ مفهوم حاصل شد و در نهایت، ۱۸ مقوله‌ی عمده از تعداد ۶۵ مفهوم به دست آمده، استخراج گردید که در نهایت، به این نتیجه منتهی گردید که مهم‌ترین مقوله در این باره، «راهبردهای پیشگیرانه» است که این مقوله مشتمل بر راهکارهای فناورانه، راهکارهای آموزشی و فرهنگی، راهکارهای نظارتی و کنترلی بوده که شامل ۵ راهکار جزئی عبارت از: (۱) آموزش، (۲) فرهنگ‌سازی، (۳) اطلاع‌رسانی، (۴) تولید محتوا، (۵) نظارت و کنترل، می‌باشد. با این راهکارها باید با همه توان به تقابل با رسانه‌های گروهک‌ها رفت و تنها به شبکه‌های اجتماعی داخلی و خبرگزاری‌های داخلی اکتفا نکرد و با حضور در بستر پلتفرم‌های اجتماعی خارجی، لحظه به لحظه فعالیت‌های رسانه‌ای آن‌ها را رصد و برای اقدامات روانی آن‌ها، بسته‌های تقابلی ارائه کرد.

**کلیدواژه‌ها:** بلوچستان، تروریسم، رسانه، شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی.

## فصلنامه علمی

## مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران

شاپا (الکترونیکی): ۹۷۷۰-۲۹۸۰  
http://journalspsich.com  
دوره ۲ | شماره ۴ | صص ۳۹۷-۴۲۵  
زمستان ۱۴۰۲

## نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید

## درون متن

(طهرانی مقدم و همکاران، ۱۴۰۲)

## در فهرست منابع

طهرانی مقدم، محمد هادی، طاهری، احمد رضا، و محمدی صادق، سعید. (۱۴۰۲). تأثیر رسانه و فضای مجازی (شبکه‌های اجتماعی) در اقدامات تروریستی جنوب شرق ایران (مورد مطالعه جندالله). مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۴): ۳۹۷-۴۲۵.

## مقدمه

جنوب شرق ایران به علت مجاورت با کشورهای پاکستان و افغانستان و دسترسی به آب‌های آزاد، همواره یکی از مناطق مهم و استراتژیک در مباحث امنیتی بوده ولیکن به دلایل گوناگونی از جمله دوری از مرکز، مسایل قومیتی-مذهبی، ارتباطات قومی دو سوی مرز و... همواره این منطقه دستخوش ناآرامی‌ها و اقدامات تروریستی بوده است. این اقدامات از دهه‌ی هشتاد خورشیدی و با تشکیل گروهک جندالله به سرکردگی عبدالمالک ریگی، شدت و گسترش یافته و از آن مهم‌تر این که شیوه‌ی اقدامات تروریستی در این دهه و ادامه‌ی آن در دهه‌ی نود، دیگرگون شده و منطقه شاهد ترورهای انتحاری متعددی توسط عوامل این گروهک بوده است.

امروزه، یکی از محورهای مهم در مباحث امنیتی، موضوع فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در حوزه‌ی رسانه، بویژه بهره‌گیری آن‌ها از ابزارهای ارتباطی نوین می‌باشد. پارادایم رسانه‌ای جدید، فرصت بدیعی را به منظور برساختن هویت‌های مقاومت از بنیادگرایی و افراط‌گرایی، فراهم کرده است و این گروه‌ها نیز با آگاهی از قدرت روزافزون فضای سایبر و نیز علم به این که فناوری اطلاعات و ارتباطات بخش جدایی‌ناپذیر زندگی مردم شده است، به صورت گسترده‌ای، روی به استفاده از این بسترها و ابزارهای نوین آوردند (کاستلز، ۱۳۹۸).

گروه‌های تروریستی تلاش کرده‌اند که اقدامات خویش را به عنوان یکی از مهیج‌ترین اخبار و تحلیل‌های رسانه‌ها و مطبوعات، مطرح کرده و سطح قابل توجهی از پوشش‌های خبری را به خود اختصاص دهند. به عبارتی دیگر، تروریسم مدرن سعی دارد رسانه را به‌عنوان یکی از متحدان خود جذب کند. به تعبیری، تروریسم و رسانه رابطه‌ای متقابل ایجاد کرده‌اند، به گونه‌ای که رسانه‌ها تبدیل به ابزار گروه‌های رادیکال برای تبلیغ ارزش‌های مورد نظر خود و همچنین پخش و گسترش اندیشه‌های تروریستی در اشکال مختلف گردیده و بدین‌گونه، منطقه‌ی خاورمیانه را به کانون اصلی بحران مبدل کرده است. همچنان‌که گروه‌هایی تروریستی همچون جندالله و جیش‌العدل بیشتر مراحل عضوگیری، ترویج خشونت، مشروعیت‌سازی و فراخوان پیام‌های خود برای طرفداران و دشمنان را از طریق اینترنت و فضای مجازی انجام داده‌اند (اقبال، ۱۳۹۹).

باید ادعان داشت که تروریسم در سال‌های اخیر به سرعت دچار تحول شده است. در این تحول، نقش رسانه‌ها و فضای مجازی به علت تاثیراتی که در نزد افکار عمومی قبل از حملات تروریستی دارد، غیر قابل انکار است و می‌توان نمود آن را در اقدامات تروریستی دهه‌های هشتاد و نود جنوب شرق کشور مشاهده کرد. لیکن، با توجه به قدرت روزافزون فضای مجازی و گسترده شدن بیش از پیش گروهک‌های تروریستی در این فضا، تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی جنوب شرق کشور مورد توجه و مطالعه قرار نگرفته و این موضوع در فضای دانشگاهی و پژوهشی

کشور مورد غفلت واقع گردیده و چندان که باید به آن پرداخته نشده است. در این میان، یزدان پناه و کامران (۱۳۹۴) تروریسم در فضای مجازی و اثرات آن بر حوزه جغرافیای سیاسی را مورد مطالعه قرار داده؛ فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷) اقدام به طراحی مدل مقابله با چالش‌های تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: مطالعه گروه داعش در شبکه‌های توئیتر و فیس‌بوک) کرده؛ برجلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی نقش رسانه‌های نوین در گسترش تروریسم در عرصه‌ی بین‌الملل پرداختند. از این‌رو، با توجه به خلأ مطالعاتی و پژوهشی موجود در قبال نقش رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی یادشده و راهکارهای پیشگیرانه‌ی آن‌ها، این پژوهش بر آن است که ضمن بررسی شیوه‌های استفاده از ابزار رسانه و امکانات موجود در بستر فضای مجازی در عملیات‌های مختلف این گروه تروریستی در دهه‌های هشتاد و نود، تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی در جنوب شرق ایران را کشف کرده و راهکارهایی عملی را به منظور مقابله با آن‌ها، ارائه دهد.

### تعریف مختصر مفاهیم

#### تروریسم

تروریسم، مسأله‌ی نظری بسیار پیچیده‌ای است که از زمان‌های کهن ذهن بشریت را به خود مشغول ساخته است. پیشینه‌ی آن در جوامع مختلف به بیش از ۲۷۰۰ سال می‌رسد. کار بررسی این معضل از حدود ۲۰۰ سال پیش آغاز شده و برخی از پژوهشگران از یکصد نوع تروریسم در سراسر جهان یاد کرده‌اند، اما هنوز تعریف جامعی از آن در دسترس نیست و هر صاحب‌نظری، تعریفی از آن ارائه داده است. در زبان انگلیسی اصل کلمه‌ی «ترور»<sup>۱</sup> به فعل لاتینی «ters» برمی‌گردد (طیب، ۱۳۹۴) که به معنای «ترساندن» یا «ترس و وحشت» است و بیشتر مشتقات آن نیز حول همین معانی مشخص می‌چرخد (ناجی‌راد، ۱۳۹۷). تروریسم، واژه‌ای فرانسوی و به معنای آدم‌کشی به طور غافل‌گیرانه و ایجاد رعب و وحشت به منظور دستیابی به قدرت یا حفظ آن است (دهخدا، ج ۴). شایان ذکر است علی‌رغم آن که این اصطلاح در بسیاری از متون و کنوانسیون‌ها مطرح می‌شود و علی‌رغم ماموریتی که در دسامبر ۱۹۹۶ م. بر کمیته‌ی ویژه‌ی تشکیل شده توسط مجمع عمومی محول گردید، اما با این حال، هنوز هیچ تعریفی توافقی در سازمان ملل وجود ندارد.

#### تروریسم مذهبی (تکفیری)

تروریسم مذهبی شایع‌ترین نوع تروریسم بوده و امروزه حدود نیمی از ۵۶ گروه تروریستی بین‌المللی که سازمان‌های جهانی مختلف فهرست‌شان را ارائه کرده‌اند، دارای انگیزه‌های مذهبی هستند

<sup>۱</sup> Terror

(حمزه‌زاده، ۱۳۹۴). این پدیده، سابقه‌ای طولانی داشته و در همه ادیان و مذاهب قابل ردیابی است. از معروف‌ترین تروریست‌های مذهبی قدیمی می‌توان به گروه‌های تروریستی یهودی سیکاری<sup>۱</sup>، هندوهای تاگ<sup>۲</sup> و اسماعیلیه نزاری (حشاشین: باطنی‌ها یا فدائیان اسماعیلیه) اشاره کرد. امروزه شایع‌ترین نوع تروریسم مذهبی، «تکفیر» یا «سلفی‌گری» است که این عنوان به فرد یا جریانی اطلاق می‌شود که غالباً برخاسته از قرائت‌های مختلف سلفی وهابی، مسلمانان را به صرف آنکه با آنان هم عقیده نیستند، بر خلاف معیارهای شرعی شناخته شده متهم به کفر و خروج از دین می‌کنند. این قرائت از دین پیامدها و واکنش‌های عملی خشونت‌آمیزی در جوامع اسلامی در پی داشته و فتاوی علمای تکفیری موجب انجام اقدامات تروریستی در بسیاری از کشورها همچون ایران، پاکستان، عراق، سوریه و مصر شده است (کایدنژاد، ۱۳۹۵). ریشه و اساس افکار گروه‌های بنیادگرایی چون القاعده و طالبان، سلفیه یا سلفی‌گری است. «سلفی» از ریشه‌ی «سلف» به معنای پیشین است. یعنی جماعت پیشی‌گیرنده، سلف کسانی هستند که گذشته‌اند (رضوانی، ۱۳۹۰). مقصود از سلفی‌گری، رجوع به دین سلف از مسلمین (صحابه، تابعین و تابعین تابعین است؛ یعنی رجوع به سه تا پنج قرن اول هجری) است (الحیدری، ۲۰۱۸، ج ۱) که ریشه در اندیشه‌های «ابن تیمیه» و مسلک و مرام «وهابیت» دارد.

### رسانه

رسانه‌ها، به وسایل انتقال پیام‌ها از فرستنده یا فرستندگان به مخاطب یا مخاطبان گفته می‌شود؛ که شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، تکنولوژی‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و... است. این وسایل دارای ویژگی‌هایی چون پیام‌گیران ناآشنا، سرعت عمل زیاد و تکثیر پیام هستند. (دادگران، ۱۳۹۶). یکی از ابزار بسیار مؤثر برای تبلیغ و اطلاع‌رسانی، رسانه است؛ بویژه در عصر ارتباطات، اهمیت ابزارهای رسانه‌ای که عبارتند از مطبوعات، شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، بیش از پیش محرز و آشکار می‌شود (ملک، ۱۳۹۴).

رسانه‌ها را می‌توان به دو دسته‌ی رسانه‌های جمعی و رسانه‌های اجتماعی تقسیم کرد. رسانه‌های جمعی، مجموعه‌ای از وسایل ارتباطی هستند که غالباً به صورتی یک‌طرفه با جمعی از مخاطبان در ارتباط می‌باشند (افتاده، ۱۳۹۴). از جمله رسانه‌های جمعی می‌توان به رادیو، تلویزیون، ماهواره، نشریات و کتاب اشاره کرد (موسوی ندوشن، ۱۳۹۵). دسته‌ی دیگر، رسانه‌های اجتماعی می‌باشند که مبتنی بر وب طراحی شده‌اند. شایان توجه این که «کریس شیپلی» نخستین کسی است که

<sup>۱</sup> Sicarri

<sup>۲</sup> Thugs

اصطلاح «رسانه‌های اجتماعی» را به کار برد و آن‌ها را هدایت‌کننده‌ی رویدادهای آینده برای گفتگو دانست. باید اذعان داشت که در رسانه‌های اجتماعی بر خلاف رسانه‌های جمعی، قابلیت تعامل دوسویه با مخاطب فراهم است (ذوالقدر و همکاران، ۱۳۹۲).

### فضای مجازی

فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، از جمله اینترنت، این امکان را فراهم می‌کند تا کنشگران در بستر محیط جدیدی به تعامل بپردازند که «فضای سایبر» یا «فضای مجازی» نامیده می‌شود (نورمحمدی، ۱۳۹۰). نخستین بار ویلیام گیبسون<sup>۱</sup> در رمان علمی تخیلی خود به نام «نورومنسر»<sup>۲</sup> واژه‌ی فضای سایبر را به کار برد (راهداری، ۱۳۹۲). وی در زمان مذکور فضای سایبر را این چنین تعریف می‌کند شعاع‌های نوری که در فضای خالی ذهن و در شاخه‌ها و صورهای فلکی داده‌های اطلاعاتی ساطع شده است (عراقچی و همکاران، ۱۳۹۵). فضای مجازی این امکان را فراهم می‌کند که کنشگر هم‌زمان در هر دو جهان واقعی و مجازی حضور داشته باشد و فراتر از حدود مکانی-زمانی محل استقرار خود به تعامل با سایر کنشگران بپردازد. (نورمحمدی، ۱۳۹۰).

در واقع، فضای مجازی گستره‌ای است که در کنار و جدا از دنیای فیزیکی واقعی قرار دارد این محیط عبارت است از واقعیت مفهومی مشترک و نه یک واقعیت فیزیکی مشترک (نماین، ۱۳۹۰). ویژگی بارز فضای مجازی برخلاف جهان واقعی، نامتناهی بودن، گمنامی (پنهان کردن هویت و ناشناس ماندن)، سیالیت و به دشواری قابل کنترل بودن آن است. در این چارچوب، یکی از مهم‌ترین تهدیداتی که در بافت فضای مجازی ظهور کرده است، سایبر تروریسم است (نورمحمدی، ۱۳۹۰).

### شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی مجازی گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی هستند که بیشترین شباهت را به جامعه انسانی داشته و به فرد امکان برقراری ارتباط با شمار فراوانی از افراد دیگر، فارغ از هرگونه محدودیت زمانی، مکانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را می‌دهد (کراوت و همکاران، ۲۰۰۱). وجه ویژگی‌های این شبکه‌ها، قدرت برقراری نظام شبکه‌ای میان دوستان و همفکران کاربران به صورت منظم و سامان مند است. شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول فناوری‌های وب ۲ هستند. وب ۲ به آن دسته از فناوری‌هایی اطلاق می‌شوند که امکان مشارکت کاربر در تولید محتوا و به اشتراک گذاری اطلاعات شامل: متن، عکس، فیلم، پیوند، فایل و هرگونه داده‌ی دیگر را فراهم می‌آورند (رنجبر، ۱۳۹۳).

<sup>۱</sup> William Gibson

<sup>۲</sup> Neuromancer

پیش‌تازان این عرصه، شبکه‌های اجتماعی توییتر و فیس‌بوک و یوتیوب هستند که تلاش می‌کنند ردپای خود را در تمامی عرصه‌های زندگی فردی به جای بگذارند. اما اخیراً نرم افزارهای ارتباطی تلفن همراه از قبیل تلگرام، واتس‌آپ، وایبر، لاین و... نیز به این عرصه افزوده شده‌اند که در واقع، گوی سبقت را از فیس‌بوک نیز ربوده‌اند. در این شبکه‌های اجتماعی انواع و اقسام مطالب، فیلم و عکس و صوت و... در حجمی بسیار بالا و در کسری از ثانیه در میان کاربران متعددی انتشار پیدا می‌کند.

### روش‌شناسی

در این تحقیق از آنجایی که به دنبال بررسی و تبیین تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی دهه ۸۰ و ۹۰ در جنوب شرق ایران می‌باشد، از روش کیفی استفاده شده است. از میان انواع پژوهش‌های کیفی، روش «گراندد تئوری»<sup>۱</sup> یا داده‌بنیاد، «به علت آن که با ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد، به بررسی فرایندهای اجتماعی موجود در تعاملات بشری می‌پردازد، جایگاه برجسته‌ای در مطالعات اجتماعی به خود اختصاص داده است» (Strauss, 2003).

دلیل انتخاب روش گراندد تئوری برای پژوهش حاضر این است که در این پژوهش محقق به دنبال ثبت دقیق اتفاقات و افرادی که آن‌ها را انجام داده‌اند و دلیل انجام آن‌ها، توضیح و تشریح دقیق زمینه‌ها، کنش‌ها و عملکردها و همچنین توجه هم‌زمان به کنش‌ها و عملکردها و کلمات و گفته‌ها و یافتن راه‌هایی برای تفسیر این داده‌ها و در نهایت ارائه‌ی نظریه‌ای برگرفته از این داده‌ها می‌باشد. بنابراین، در پژوهش حاضر نیز که به نوعی، تاملات اجتماعی-سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد، از روش گراندد تئوری استفاده شده است.

روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش، به صورت ترکیبی و شامل دو مرحله‌ی مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت میدانی می‌باشد. بدین صورت که به منظور گردآوری اطلاعات اولیه و بررسی سوابق پژوهش و تبیین مبانی نظری، از منابع مکتوب با روش فیش‌برداری استفاده کرده و در گام بعدی، به روش میدانی و با ابزار مصاحبه از نوع نیمه‌ساختارمند اطلاعات لازم برای تحلیل نهایی گردآوری خواهد شد.

در واقع، ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش عبارت است از مشاهده‌ی هدفمند و مصاحبه که بنا به مقتضیات تحقیق از آن استفاده شد. در این پژوهش از مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار یافته جهت گردآوری اطلاعات استفاده می‌شود. همچنین جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، متخصصان علوم

<sup>۱</sup> Grounded Theory

ارتباطات و علوم سیاسی شامل اساتید و دانشجویان مقطع دکترای این رشته‌ها و نیز خبرگان حوزه‌ی شبکه‌های اجتماعی مجازی خواهند بود.

نمونه‌گیری در این پژوهش، نظری و روش نمونه‌گیری، گلوله برفی بوده است. با توجه به روند انجام مصاحبه‌ها و معرفی تعدادی از نمونه‌های بعدی توسط مصاحبه‌شوندگان قبلی، در نهایت، نمونه‌ی آماری این پژوهش شامل ۵ تن از اساتید رشته‌های علوم ارتباطات و علوم سیاسی دانشگاه‌ها، ۴ تن از مسوولان سیاسی و امنیتی استان سیستان و بلوچستان، ۷ تن از دانشجویان مقطع دکترای علوم سیاسی و علوم ارتباطات، ۴ تن از خبرگان شبکه‌های اجتماعی مجازی و ۶ نفر نیز از مردم استان سیستان و بلوچستان که به نحوی متأثر و یا در ارتباط با جریان‌های تروریستی منطقه‌ی جنوب شرق کشور بوده‌اند و در مجموع، ۲۶ تن بوده است.

شایان ذکر است که به علت مسایل امنیتی، هویت افراد مصاحبه‌شونده محرمانه بوده و خواهد ماند. با توجه به این که پژوهش حاضر به روش گراندد تئوری به انجام رسیده است، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، به شیوه‌ی معمول در این روش عمل می‌گردد. در روش گراندد تئوری، تجزیه و تحلیل داده‌ها که به آن «کدگذاری» گفته می‌شود، در سه مرحله انجام می‌شود: ۱. کدگذاری باز: در این مرحله، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شده و مفاهیم اصلی استخراج و به صورت کد ثبت شد و سپس کدهای مشابه در دسته‌هایی قرار می‌گیرند. ۲. کدگذاری محوری: در این مرحله، دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز تشکیل شده بودند با یکدیگر مقایسه شده و آنهایی که باهم شباهت داشته باشند، حول محور مشترکی قرار می‌گیرند. همچنین طبقات به طبقات محوری خود ربط داده می‌شوند تا تبیین‌های دقیق‌تر و کامل‌تری درباره‌ی پدیده ارائه گردد. ۳. کدگذاری انتخابی: در این مرحله، یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها انجام شده و یک مقوله به عنوان مقوله‌ی مرکزی انتخاب می‌گردد و سپس بر محور مقوله‌ی مرکزی، مدل موردنظر طراحی می‌گردد (استراوس و کربین، ۱۳۹۵).

**اعتبارسنجی داده‌ها**



در این پژوهش، به منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهش حاضر از چهار شاخص اعتبار<sup>۱</sup> (گابا و لینکلن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹، به نقل از محمدپور، ۱۳۸۸) استفاده شد. این چهار شاخص عبارتند از: (۱) قابلیت اعتبار<sup>۳</sup>، (۲) قابلیت تصدیق<sup>۴</sup>، (۳) قابلیت کفایت<sup>۵</sup>، و (۴) قابلیت تعمیم<sup>۶</sup>.

بر این اساس، برای تضمین قابلیت اعتبار یا صحت داده‌ها پس از تجزیه و تحلیل هر مصاحبه، دوباره صحت و سقم مطالب، تأیید و تغییرات لازم اعمال گردید. جهت تضمین قابلیت تصدیق، سعی بر آن شد که پژوهشگر پیش‌فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. قابلیت تصدیق به اتخاذ دیدگاه عینی از طرف پژوهشگر و پرهیز از سوگیری اشاره دارد. در این راستا، همه داده‌ها می‌باید قابل ردیابی در منبع اولیه باشند و مفاهیم ایجاد شده توسط پژوهشگر به راحتی قابل ردیابی در داده‌ها باشد. بر این اساس سعی شد همه داده‌ها شخصاً توسط پژوهشگر بر روی کاغذ پیاده شوند و همه مفاهیم و موضوعات برداشت شده توسط پژوهشگر به بخش‌های مشخص از این داده‌ها مرتبط و تأییدپذیر باشند. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت روند تحلیل اطلاعات و فرایند تصمیم‌گیری در مطالعه‌ی حاضر، فرایند کار به صورت تیمی و با مشورت صاحب‌نظران صورت گرفت. جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر، سعی شد از لایه‌های مختلف جمعیتی و شرکت‌کنندگان متعلق به تخصص‌های مختلف علوم سیاسی، علوم ارتباطات، شبکه‌ی مجازی، مسایل امنیتی و... استفاده شود.

### چارچوب نظری پژوهش

به منظور رعایت چارچوب نظری تحقیق و حرکت خبرگان در این چارچوب، پروتکل مصاحبه با هشت محور تهیه گردید. این پروتکل صرفاً با این انگیزه تعیین شده است که صاحب‌نظران بتوانند بر اساس آن، آمادگی‌های لازم را برای پاسخ به پرسش‌های پژوهشگر تمهید کنند. از این رو بعد از هماهنگی تلفنی و قبول انجام مصاحبه، این پروتکل برای آن‌ها فرستاده می‌شد. در این پژوهش با ۲۶ نظر از اساتید، صاحب‌نظران و افراد آگاه مصاحبه شد و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به مرحله‌ی اشباع رسید؛ یعنی دیگر داده‌ی جدیدی حاصل نشد و به مرحله‌ی نظریه‌پردازی رسید.

<sup>۱</sup> Truth Worthiness

<sup>۲</sup> Guba & Lincoln

<sup>۳</sup> Credibility

<sup>۴</sup> Conformability

<sup>۵</sup> Dependability

<sup>۶</sup> Transferability

هر مصاحبه بعد از انجام، کدگذاری شد. مفاهیم، ابعاد و ویژگی‌های آن‌ها شناسایی شدند. چنانچه پاره‌ای از کدهای تولید شده، نیاز به پرورش بیشتر داشت، در مصاحبه‌های بعدی، این موارد به بحث گذاشته شده است.

نمونه‌گیری نظری به صورت هدفمند و بر اساس جریان تحقیق و نیازهای آن و با هدف دستیابی به اطلاعات کلیدی پدیده تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی انجام شد. عملیات غنی‌سازی ابعاد و ویژگی‌های مقوله‌ها به گونه‌ای انجام شد که به اشباع نظری برسد و طیف مطلوبی از ابعاد مقوله شکل گیرد. الگوی فرایند تحقیق و نظریه در روش داده‌بنیاد، به صورت دورانی است. بر اساس مفروضات پژوهش، اولین نمونه انتخاب، مصاحبه انجام شده و تجزیه و تحلیل و کدگذاری می‌گردد. بر اساس نتایج حاصل از این مصاحبه و جریان تحقیق، نمونه بعدی انتخاب می‌شود. این حرکت رفت و برگشتی تا مرحله‌ی اشباع کامل موضوع تحقیق ادامه می‌یابد.

برای گردآوری دقیق و اجتناب از دست رفتن اطلاعات، از مدل عناصر شش‌گانه‌ی پدیده استفاده شد. در واقع بر اساس مقایسه‌های انجام شده و پاسخ پرسش‌هایی مانند چه (مقدار، موضوعی،...)? چگونه؟ چرا؟ چه وقت؟ و کجا؟ و چه کسی (یا سازمانی)? مشخص شد کدام ویژگی‌ها و ابعاد به پرورش بیشتری نیاز دارند. پرسش‌های اولیه‌ای از مصاحبه شونده‌گان بر اساس ادبیات موضوع، تجربه‌ی شخصی و فعالیت میدانی تهیه شده بودند اما در مراحل بعد، پرسش‌های جدیدتری بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه طراحی شدند.

### تروریسم در جنوب شرق ایران

باید اذعان داشت که نوع شاخص تروریسم در این منطقه، با توجه به دوره‌ی زمانی پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن، متفاوت بوده است. پیش از انقلاب، تروریسم در این منطقه دارای گرایش و زمینه‌ی مذهبی نبوده ولیکن پس از انقلاب، تروریسم مذهبی (تکفیری) بیشترین شیوع را داشته است.

پیش از انقلاب بیشتر اقدامات تحت تاثیر درگیری‌های حکومت تازه استقلال یافته پاکستان با بلوچ‌ها و علی‌الخصوص ارتش آزادی بخش بلوچستان بود. ارتش آزادی بخش بلوچستان با ادعای تلاش برای استقلال بلوچستان محور حرکت‌های تجزیه طلبانه بود. البته این اقدامات با توجه تقابل تاریخی قوم بلوچ با حکومت‌های مرکزی در ایران به دلیل ظلم دول قاجار و پهلوی در استان نیز شکل گرفته که برجسته‌ترین آن‌ها، افرادی چون دوست‌محمدخان و دادشاه بودند.

میردوست‌محمدخان باران‌زهی در آغاز روی کار آمدن رضاشاه، با هزار بلوچ مسلح علیه او قیام کرد که البته راه به جایی نبرده و در نهایت دستگیر و در ۲۶ دی ماه ۱۳۰۸ در زندان تهران اعدام شد.

اقدامات دادشاه بلوچ نیز منحصر به ترور چند مامور آمریکایی و پس از آن درگیر شدن با ماموران ژاندارمری حکومت وقت طی چندین نوبت و انعکاس آن در رسانه‌های داخل و خارج کشور بود. وی نیز در ۲۰ دی ماه ۱۳۳۶ کشته شد.

شایان ذکر است که درگیری‌ها و نا امنی‌های سیستان و بلوچستان تا قبل از انقلاب بیشتر از نوع قاچاق مواد مخدر و درگیری با کاروان‌ها و باندهای مواد مخدر بود و با حمایت دولت‌های غربی صورت نمی‌گرفت. به عبارتی دیگر، به اقدامات و شورش‌های قبل از انقلاب نمی‌توان حملات تروریستی گفت. این اقدامات بیشتر شورش‌هایی بوده در منطقه برای قدرت‌طلبی بین سرداران بلوچ شکل می‌گرفته و در سطح کشور نیز به نیروهای ارتش و مأموران دولت‌ها بوده است. از این شورش‌ها می‌توان به طغیان‌های دوست‌محمد خان بارکزائی و جمعه خان اسماعیل‌زهی نام برد.

برابر اطلاعاتی که از منابع محلی به دست آمد، پیش از انقلاب اسلامی، زمینه‌های ناامنی در منطقه، اغلب تقابل با حکومت مرکزی به علت ظلم و ستم رژیم و تبعیض و محرومیت آشکار در منطقه‌ی جنوب شرق کشور، قاچاق مواد مخدر و... بوده است. البته گروه‌های به فرماندهی دادشاه نیز بودند که صرفاً به خاطر تقابل با دستگاه حاکم دست به سلاح بردند.

همچنین می‌توان از ظلم و ستم خوانین محلی، ماموران حکومت و فقر فرهنگی ناشی از بی‌توجهی به منطقه، نبود زیر ساخت‌ها و فقر گسترده در منطقه به عنوان علل و زمینه‌های نارضایتی مردم و بروز برخی اقدامات تروریستی در پیش از انقلاب، نام برد.

قدرت‌طلبی و برتری‌خواهی سرداران بلوچ، طغیان علیه نیروهای بیگانه و استعماری چون انگلستان، بدرفتاری نیروهای نظامی با بومیان و مردم محلی بلوچستان، گسترش اقتدار سیاسی و اقتصادی آن‌ها و تثبیت و استحکام خودمختاری آن‌ها از مهم‌ترین علل و زمینه‌های اقدامات خرابکارانه در جنوب شرق ایران، پیش از انقلاب اسلامی بوده است. بنابراین می‌توان به طور خلاصه، علل اصلی ظهور تروریسم در جنوب شرق را دو عامل زیر دانست:

۱. تبعیض و عقب‌ماندگی منطقه، ۲. تحریک اجانب

البته همان گونه که پیش‌تر نیز بازگو شد، نا امنی‌های قبل از انقلاب در سیستان و بلوچستان غالباً از نوع باندها و مافیای مواد مخدر بود.

بر اساس اظهارات مصاحبه‌شوندگان و همچنین اطلاعات به دست آمده از برخی منابع محلی، تروریسم در جنوب شرق کشور، به صورت واقعی و گسترده، پس از انقلاب اسلامی شکل گرفت که در این بخش، مراحل راه‌اندازی گروهک‌های تروریستی در منطقه و علل و انگیزه‌های آن، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از دهه‌ی هفتاد گروهک «الفرقان» توسط جلیل قنبرزهی با ادبیاتی جدید شکل گرفت. جلیل قنبرزهی به عنوان یک مولوی پا به عرصه‌ی شرارت گذاشت و عملیات‌های خود را با نگاه قومی و مذهبی و با رویکرد سلفی-جهادی، انجام می‌داد.

حزب الفرقان یا مجاهدین معاویه در سال ۱۳۷۵ توسط عناصر وابسته به وهابیت اعلام موجودیت و هدف اصلی خود را مبارزه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی اعلام کردند. رهبر گروه شخصی به نام جلیل قنبرزهی معروف به «مولوی صلاح الدین» بوده است.

گروه فرقان از عملیاتی ایذایی خود علیه جمهوری اسلامی با عنوان «عشره مبشره» یاد کرده و برای اینکه اهل سنت را علیه شیعیان تحریک کنند از اقدامات تبلیغی غافل نبودند. آن‌ها در ۸ دی ۱۳۸۱ بنا به دستور ملا جلیل شه بخش دو نفر از سرکردگان گروهک مذکور به اسامی حاجی خدانظر معروف به ملانظر سوری و حاجی لالوبریچی از استان نیمروز افغانستان وارد لچگی شده و از آن طریق تعداد ۷ بمب را به صورت کوله باری به زابل حمل کرده و در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۸۱ با یک دستگاه خودرو به زاهدان انتقال دادند. در همین تاریخ گزارشهایی از وقوع انفجار در هفت نقطه شهرستان زاهدان انتشار یافت.

آنها اقدامات تروریستی دیگری نیز انجام دادند تا اینکه در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۹۱ عبدالجلیل قنبرزهی همراه با حمزه ملازهی معاون گروهک، در حال وارد کردن بمب به کشور برای انجام عملیات تروریستی، در مناطق مرزی پاکستان کشته شدند (کوشکی، ۱۴۰۲).

گروه دیگری که پس از انقلاب اسلامی در منطقه‌ی جنوب شرق دست به اقدامات تروریستی زد، «لشکر رسول الله» به سرکردگی مولابخش درخشان بود که همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، عبدالمالک ریگی مدتی به عضویت این گروهک درآمد. چند سال بعد از خروج ریگی از لشکر رسول الله مولابخش درخشان کشته شد و رهبری گروه به واحد بخش درخشان عموزاده وی محول گردید. این گروه متعاقباً در سال ۱۳۸۶ با جندالله ادغام شد.

افزون بر این گروه‌ها، می‌توان به «سازمان مبارزین سیستان و بلوچستان» به فرماندهی حاج نعمت الله شه‌بخش گروه، «الجهاد» بلوچستان، گروه جنبش خلق بلوچ، گروه گورناکی به فرماندهی کمال صلاح‌زهی گورناکی، گروه دراشه‌بخش و... اشاره داشت که اغلب آن‌ها از جمله نهضت عدالت بلوچستان به رهبری عبدالوحد آرمیان به جندالله پیوستند.

در این میان، گروهک جندالله و گروهک جیش‌العدل از همه معروف‌تر بوده‌اند که از دهه‌ی هشتاد با مبنای فکری مذهبی و تا حدی قومی و با شعار دفاع از اهل سنت در مقابل فشارهای حکومتی پدید آمدند. در واقع، گروهک جیش‌العدل توسط رثوف و ظاهر نارویی نیز ادامه همان مسیر مالک ریگی را طی می‌کنند.

به عبارتی دیگر، مهم‌ترین گروهک تروریستی پس از انقلاب، جندالله بود که توسط مالک ریگی تاسیس گردیده و با تفکر وهابیت و حمایت سرویس‌های امنیتی بیگانه دست به اقدامات شدید تروریستی زده است. فلذا به نظر می‌آید ناامنی‌های سیستان و بلوچستان را به دو قسمت قبل و بعد از مالک ریگی تقسیم کرد.

### جندالله

عبدالمجید ریگی شفا معروف به «عبدالمالک ریگی» در دی‌ماه ۱۳۸۱ به همراه چند نفر از دوستان خود که قبلا در افغانستان با هم بودند، پس از نشست با یکدیگر و تجزیه و تحلیل وضعیت کشور، با هم پیمان بسته در مقابل حکومت اسلامی ایران مبارزه و گروهکی به نام جندالله را تشکیل داده و عبدالمالک را به عنوان امیر خود انتخاب کنند و چهارچوب اولیه گروه را که شامل ۱. آموزش، ۲. جمع‌آوری، ۳. جذب، بود را بنیاد گذارند (دهقان و همکاران، ۱۳۹۰).

عبدالمالک ریگی که با راه‌اندازی یک گروه چند نفره، اندیشه‌های ضد شیعی خود را به آن‌ها تلقین می‌کرد، در سال ۱۳۸۲ نام گروه خود را «جندالله» گذاشت و فعالیت‌های ایدایی خود را آغاز کرد. پس از چند مورد ربایش اتباع خارجی هندی، ژاپنی، آلمانی، ایرلندی و ترکیه‌ای برای اخاذی و تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی ایران و افزایش تاثیرات منفی آن در سطح افکار عمومی بین‌المللی، او تحت تعلیمات سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه نام گروه خود را «جنبش مقاومت مردمی ایران» گذاشت و تحت همین نام نیز به راه‌بندی، کشتار مردم عادی، بمب‌گذاری، حمایت از عملیات انتحاری و کشتن افراد بی‌گناه اقدام کرد (دهمرد و شجاعی، ۱۳۹۲).

به گفته‌ی یکی از مصاحبه‌شوندگان پژوهش حاضر، این گروهک در سال ۸۳ فعالیت خود را به صورت جدی آغاز کرد. استفاده از ظرفیت نخبگانی و رسانه مهم‌ترین تفاوت این گروهک با سایر گروهک‌های تروریستی بود. مالک از سال ۸۳ شبه‌هافکنی در فضای دانشگاه‌ها را با توزیع جزوه‌هایی که حاوی مطالب ضد شیعی بود آغاز کرد. مهم‌ترین فایل توزیع شده جزوه‌ای بود که در آن اثبات شرک شیعه و ضدیت با اهل سنت نموده بود. بعدها محتوای همین جزوه در سخنرانی که میان اعضای گروه خود در کوه‌های بلوچستان داشت مطرح شد. کم‌کم این شبهات در وبلاگ وابسته به گروهک به نام مجاهد و سایر صفحات پخش گردید.

در همین ایام فعالیت عناصر وابسته در سطح دانشگاه آغاز گردید که محور این فعالیت فردی به نام «مهرنهاد» بود که هم مسئولیت سمن انجمن جوانان صدای عدالت و هم شاخه فرهنگی گروهک را به عهده داشت. وی در اعترافات خود از دست داشتن در عملیات تروریستی تاسوکی پرده برداشت. پخش شب‌نامه در سطح دانشگاه‌ها و جامعه، توزیع فیلم‌های شبه‌هافکنانه و... و نیز توزیع فیلم اقدامات تروریستی و گروهان‌گیری برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه شیعی از مهم‌ترین اقدامات

وی بود. اما بی‌شک تاثیرگذارترین عملیات مالک و جندالله، تاسوکی بود که جمع زیادی از مردم بی‌گناه و غیرنظامی به شهادت و ۷ نفر از افراد غیرنظامی گروگان گرفته شدند. بنا بر اظهارات یکی دیگر از مطلعان، جندالله هدف خود را تلاش برای تأمین حقوق قوم بلوچ و اهل سنت بلوچستان اعلام کرد. پس از دستگیری عبدالملک ریگی، این گروهک در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که محمدظاهر بلوچ را به عنوان رهبر جدید خود منصوب کرده‌است. البته مدتی بعد این گروهک توسط اعضای آن منحل و گروهک‌های جدید، با نام‌های جیش العدل به رهبری محمد ظاهر بلوچ و با نام مستعار صلاح‌الدین فاروقی و جیش‌النصر با رهبری عبدالرئوف ریگی تشکیل شدند. گروهک جندالله دارای علائق شدید قومی - مذهبی بود که این رویکرد در شکل‌گیری این گروهک تروریستی تأثیرات زیادی داشته است. این گروهک علاوه بر نظامیان؛ کارمندان دولتی و به‌خصوص سیستم‌های شیعه‌مذهب را «ظالم و اشغال‌گر» می‌دانست و بر کشتن آن‌ها اصرار می‌ورزید و در بسیاری از اطلاعیه‌های خود از واژه‌ی «اشغال‌گران» استفاده و مبارزه‌ی خود را «جهاد علیه اشغالگران» توصیف می‌کرد.

### شیوه‌ی فعالیت تروریستی جندالله

این گروهک تروریستی در آغاز، اقدام به راه‌بندی و گروگان‌گیری کرده و در مواردی، با نیروهای امنیتی درگیر می‌شد؛ لیکن پس از شکست‌های متوالی این‌گونه اقدامات آن‌ها و دستگیری بسیاری از نیروهای عملیاتی‌اش، کم‌کم به سوی عملیات‌های انتحاری روی آورد. چرا که با اقدامات گسترده‌ای که در راستای مقابله با اقدامات خرابه‌کارانه و ضد امنیتی گروهک جندالله توسط نیروهای امنیتی و انتظامی در سطح استان صورت گرفت، گروهک دیگر به هیچ وجه، چه از نظر مالی و چه از نظر نیروی انسانی، تاب و توان مقاومت و درگیری رودررو و مستقیم با نیروهای امنیتی را نداشته و همچنین با توجه به از دست دادن فرماندهان ویژه‌ی خود و عدم توفیق در انجام عملیات‌های گذشته، مسیر جدیدی را در مقابله با نظام انتخاب کرده و برای اولین بار، در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۹ اقدام به عملیات انتحاری در مقر فرماندهی انتظامی شهرستان سراوان کرد و از آن به بعد، کم‌هزینه‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین مسیر گروهک، عملیات‌های انتحاری شد.

مهم‌ترین اقدامات تروریستی انتحاری جندالله عبارت است از:

- ۱- حادثه‌ی انفجار بمب در محل ستاد انتظامی شهرستان سراوان که منجر به شهادت ۲ نفر و مجروحیت ۲۰ نفر گردید.
- ۲- حادثه‌ی انفجار بمب در پشت بام مسجد الغدیر در مورخه ۱۳۸۷/۱۱/۳۰ که تبعات جانی در بر نداشت.

۳- حادثه‌ی انفجار مسجد علی ابن ابیطالب در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۷ توسط عوامل انتحاری که منجر به شهادت ۲۱ نفر و مجروح شدن ۱۲۵ نفر گردید.

۴- حادثه‌ی تروریستی بخش پیشین شهرستان سرباز که در این حادثه نیز تعداد ۴۰ نفر از پرسنل سپاه پاسداران و تعدادی از افراد قبایل و طوایف محلی منطقه به شهادت رسیدند (دهقان و همکاران، ۱۳۹۰).

گروهک تروریستی جندالله برای ارتکاب عملیات‌های انتحاری، از شیوه‌ها و راهکارهای مختلفی استفاده می‌شود که هر روش و شیوه، با توجه به اینکه مورد شناسایی و دفاع از طریق عوامل امنیتی و انتظامی قرار می‌گیرد، تاریخ مصرف خود را از دست می‌دهد و گروه به روش دیگری در اجرای اهداف شوم خود، روی آورد که تاکنون گروه از ۷ شیوه‌ی گوناگون برای انجام اقدامات تروریستی خود استفاده کرده است که در ذیل به بیان این شیوه‌ها می‌پردازیم:

۱- مجهز کردن خودروها به مواد منفجره و انفجار آن به صورت انجام عملیات انتحاری در بین جمعیت.

۲- مجهز کردن خودروها به مواد منفجره و پارک کردن خودرو در مسیر عبور مردم و انفجار آن به وسیله ریموت و یا تایمر

۳- مجهز کردن خودروهای عمومی مانند تاکسی‌ها و ون‌ها به مواد منفجره و نزدیک شدن به مردم به بهانه‌ی جابجایی مسافر و سپس انهدام خودرو

۴- قرار دادن بمب در زیر پل‌ها و یا سطوح‌های آشغال؛ بویژه قرار دادن بمب داخل کمپرسورهای یخچال و رها کردن آن در کنار جداول داخل خیابان‌ها.

۵- استفاده از کمربندهای انتحاری و انتقال آن به داخل جمعیت به وسیله عوامل انتحاری.

۶- انجام عملیات انتحاری ۲ مرحله‌ای و یا بیشتر؛ بدین صورت که پس از انفجار اول، که معمولاً تلفات زیادی نمی‌گیرد و مردم برای امدادسانی در محل جمع می‌شوند، فرد دوم دارای کمربند انتحاری، وارد جمعیت شده و اقدام به عملیات انتحاری می‌کند.

۷- استفاده از پوشش لباس مامورین نظامی و انتظامی برای انجام اقدامات تروریستی.

پس از دستگیری عبدالمالک، باقی‌مانده‌ی گروهک مجدداً سازماندهی و یکی از عناصر گروه به نام «محمد جان ناروئی» با اسم مستعار «محمد ظاهر بلوچ» را به عنوان جانشین عبدالمالک و رهبر جدید جندالله معرفی کردند و متعاقب آن نیز ارتباطاتی از سوی وی و نیز «عبدالرئوف ریگی» (برادر عبدالمالک) با جریان‌های افراطی طالبان و گروه‌های ضد شیعی همچون سپاه صحابه و گروه‌های استقلال طلب بلوچ در ایالت بلوچستان پاکستان برقرار و جندالله موفق شد با جذب و بهره‌گیری از حمایت این گروه‌ها، مجدداً خود را احیا کرده و توانایی ایجاد ناامنی در منطقه جنوب شرق را به

دست آورد؛ به گونه‌ای که پس از معدوم شدن عبدالملک ریگی، دو عملیات تروریستی دیگر به ترتیب در تاریخ‌های ۱۳۸۹/۴/۲۴ در مسجد جامع زاهدان و ۱۳۸۹/۹/۲۴ در روز تاسوعای حسینی در شهرستان چابهار به وقوع پیوست.

### جندالله و بهره‌گیری از رسانه و فضای مجازی

نوع فعالیت گروهک تروریستی جندالله نشان از امکانات پشتیبانی گسترده‌ای می‌داد که تاکنون در میان مبارزات خوانین بلوچ دیده نشده بود. در واقع، فرق مالک ریگی با بقیه، استفاده از ابزار رسانه بود و تولید کلیپ از جنایات خود با این تولیدات رسانه‌ای اولاً قدرت خود را نشان می‌داد و حمایت مالی بیشتری از غرب دریافت می‌کرد؛ ثانیاً برای تبلیغ و تحریک احساسات جوانان بلوچ و جذب بیشتر استفاده می‌کرد. در این راستا، آن‌ها از طریق فراخوان در واتس‌آپ اقدام به یارگیری می‌کردند. این گروهک عملاً برای تمام عملیات‌های تروریستی خود، پیش، حین و پس از عملیات، پیوست رسانه‌ای داشت. در واقع یک تیم کارکنان عملیات روانی به منظور مدیریت افکار عمومی شیعه و سنی در اختیار داشت. از آنجایی که جندالله توان مالی راه‌اندازی شبکه‌ی تلویزیونی (ماهواره‌ای) را نداشت، به بهره‌گیری از امکانات اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی روی آورد. ابزارهای رسانه‌ای جندالله در بستر اینترنت با وبلاگ‌هایی مثل مجاهد و نیز استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای چون العربیه و... بود. آنان همچنین از رسانه‌های گروهی تلویزیونی و رادیویی عمدتاً وابسته به سلطنت‌طلبان، در انعکاس خبر عملیات و طرح دیدگاه‌هایشان استفاده می‌کردند. انتشار تصاویر عملیات‌ها، شبهه‌افکنی در راستای اختلاف سنی و شیعه، همچنین مشروعیت‌بخشی به اقدامات تروریستی خود، بخش مهم سناریوی رسانه‌ای گروهک بود. عمده بهره‌برداری جندالله از رسانه و فضای مجازی، در راستای تطهیر کردن فعالیت‌های تروریستی، جذب حامی و نیرو و همچنین مدیریت فضای روانی بویژه در جامعه اهل سنت منطقه بود.

### یافته‌های پژوهش

در این بخش، پاسخ‌های دریافت شده از مصاحبه‌شوندگان و پاسخ‌گویان به پرسش‌های طرح‌شده توسط پژوهشگر، به عنوان داده‌های اولیه، بر اساس نظریه‌ی داده‌بنیاد (گراندد تئوری) دسته‌بندی و کدگذاری شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در مرحله‌ی کدگذاری باز، نخست کدهای اولیه از خلال مطالب ارائه شده در مصاحبه‌ها استخراج شده و از پیوند و اشتراک آن‌ها، کدگذاری ثانویه صورت گرفته و سپس، از میان آن‌ها اقدام به طرح کدهای مفهومی گردیده و با کمک این کدها، به استخراج و کدگذاری مقوله‌های اصلی و در پایان این مرحله، روند پژوهش به تبیین مقوله‌های عمده‌ی نهایی می‌رسد.



پس از این مرحله، کدگذاری محوری صورت گرفته و مقوله‌های عمده و زیرمقوله‌های مرتبط، تعیین گردیده و ارتباط میان مقوله‌های عمده با یکدیگر، تبیین می‌گردد. در این مرحله، پارادایم پژوهش تعیین و الگوی کدگذاری، ترسیم می‌شود. سپس مرحله‌ی کدگذاری انتخابی فراسیده و در این مرحله، روند انتخاب مقوله‌ی اصلی و ارتباط با دیگر مقوله‌های عمده و ریزمقوله‌ها، به انجام می‌رسد. در نهایت، طی این سه مرحله، پژوهش به مرحله‌ی نظریه‌پردازی می‌رسد.

### کدگذاری باز

#### کدگذاری اولیه

در نخستین گام، مصاحبه‌های انجام شده، یک‌به‌یک، بررسی شده و همه عبارات، جمله‌ها و پاراگراف‌های آن‌ها بر اساس کلیدواژگان، پرسش‌ها و اهداف پژوهش، دسته‌بندی و کدگذاری گردیدند که حاصل آن ۱۸۴۶ کد اولیه‌ی مستخرج از ۲۶ مصاحبه بود. به جهت جلوگیری از اطاله‌ی سخن و به عنوان نمونه، روند کدگذاری یکی از مصاحبه‌های انجام شده در جدول ۱ (پیوست) ارائه گردیده است.

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تعداد ۸۴ کد از این مصاحبه استخراج گردیده است. شایان ذکر است که این روند، در خصوص ۲۵ مصاحبه‌ی دیگر نیز صورت گرفته است.

#### کدگذاری ثانویه

کدگذاری ثانویه، با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهش و جریان آن، از تجمیع کدهای حاصل از کدگذاری اولیه و بر اساس مشابهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها، صورت گرفت. با این توصیف، تعداد ۱۶۶ کد ثانویه تولید گردید. به عنوان نمونه، تعداد ۱۲ نشانگر، کد ثانویه‌ای با عنوان «انگیزه‌ی قومی» تشکیل دادند که به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

ب ۱۲: از دهه هشتاد. مبنای فکری شان مذهبی و تا حدی قومی بوده است.

ت ۱۴: بیشتر تروریست‌ها انگیزه‌های قومی/ناسیونالیستی دارند.

ث ۱۱: با انگیزه‌های قومی-مذهبی ولی در اصل به منظور براندازی نظام.

چ ۱۸: گروهک جندالله دارای علائق و انگیزه‌های شدید قومی-مذهبی بود.

خ ۱۳: سازمان‌های تروریستی منطقه با انگیزه‌ی قومی-مذهبی فعالیت می‌کردند.

د ۱۱: دغدغه‌ی گروهک‌ها بیشتر قومی بوده است.

ر ۱۴: تروریست‌ها با استفاده از خصلت قومی-قبیله‌ای اقدام به فعالیت می‌کردند.

ز ۱۲: گروهک‌ها با دامن زدن به تنش‌های قومی-مذهبی در منطقه

ش ۱۸: مهم‌ترین انگیزه‌ی آن‌ها اختلافات قومی و مذهبی بود.

ط ۱۲: انگیزه‌ی قومی به همراه انگیزه‌ی مذهبی تاثیر زیادی در جذب نیرو در آن‌ها بود.

ف ۱۵: آن‌ها تلاش داشتند که با انگیزه‌های قومی و با استفاده از تعصبات قبیله‌ای برای خود جایگاهی را در نزد مردم منطقه دست و پا کنند.

گ ۱۳: اقدامات تروریستی خود را با انگیزه‌ی قومی توجیح می‌کردند. در خصوص دیگر کدهای ثانویه نیز به همین ترتیب اقدام شده است تا داده‌های به دست آمده، برای کدگذاری مفهومی، آماده گردد.

### کدگذاری مفهومی

پس از کدگذاری اولیه و ثانویه، نوبت به کدگذاری مفهومی رسید و بار دیگر، کدهای به دست آمده با توجه به مشابهت‌ها و تفاوت‌ها و نیز پرسش‌های اساسی همچون «چه؟»، «چرا؟»، «چگونه؟»، «چه کسی/سازمانی؟»، «کی؟»، «چه پیامدی؟»، «چه راهکاری؟» دسته‌بندی گردیدند. در مرحله‌ی کدگذاری مفهومی، تعداد ۶۵ مفهوم از مجموع ۱۶۶ کد ثانویه، حاصل گردید. به عنوان نمونه، کدهای ثانویه با عناوین «حمایت آمریکا و غرب»، «حمایت پاکستان و افغانستان»، «حمایت جریان وهابیت» و «حمایت رژیم صهیونیستی» یک کد مفهومی با عنوان «نقش حمایتی بیگانگان» را تشکیل دادند.

### تولید مقوله

در آخرین مرحله از کدگذاری باز، مفاهیم به دست آمده از مرحله‌ی پیشین، بار دیگر به وسیله‌ی مقایسه‌ی مشابهت‌ها و تفاوت‌ها و همچنین اهداف و پرسش‌های پژوهش، دسته‌بندی شده و در نهایت، ۱۸ مقوله‌ی عمده از تعداد ۶۵ مفهوم به دست آمده، استخراج گردید. این ۱۸ مقوله عبارتند از:

- (۱) تروریسم در جنوب شرق ایران، پیش از انقلاب
- (۲) زمان اقدامات تروریستی پس از انقلاب در جنوب شرق ایران
- (۳) مکان اقدامات تروریستی پس از انقلاب در جنوب شرق ایران
- (۴) عاملان اقدامات تروریستی پس از انقلاب در جنوب شرق ایران
- (۵) انگیزه‌های اقدامات تروریستی پس از انقلاب در جنوب شرق ایران
- (۶) ماهیت اقدامات تروریستی پس از انقلاب در جنوب شرق ایران
- (۷) حامیان اقدامات تروریستی پس از انقلاب در جنوب شرق ایران
- (۸) فرجام تروریست‌های پس از انقلاب
- (۹) انواع گروه‌های تروریستی جنوب شرق ایران پس از انقلاب
- (۱۰) مبانی فکری گروه‌های تروریستی جنوب شرق ایران پس از انقلاب
- (۱۱) گروهک جندالله

۱۲) گروهک جیش‌العدل

۱۳) رسانه‌های مورد استفاده‌ی تروریست‌ها

۱۴) بهره‌گیری تروریست‌های جنوب‌شرق ایران از فضای مجازی

۱۵) راهکارهای صورت گرفته در مقابل فعالیت رسانه‌ای تروریست‌های جنوب‌شرق ایران

۱۶) راهکارهای پیشنهادی جهت مقابله با فعالیت رسانه‌ای تروریست‌های جنوب‌شرق

ایران

۱۷) اقدامات پیشگیرانه

۱۸) چالش‌های بهره‌گیری گروهک‌های تروریستی از رسانه

روند صورت گرفته تا رسیدن به ۱۸ مقوله‌ی عمده در این پژوهش، در جدول ۲ (پیوست) ارائه گردیده است.

### کدگذاری محوری

پس از کدگذاری باز، مرحله‌ی دوم و به عبارتی دیگر، سطح دوم تحلیل داده‌ها در شیوه‌ی گراند تئوری، کدگذاری محوری است. در این مرحله، بر پایه‌ی ۱۸ مقوله‌ی اصلی که از مرحله‌ی پیشین به دست آمد، طبقه‌بندی تازه‌ای پیرامون مقوله‌های عمده، صورت می‌گیرد که در ادامه بازگو می‌شود.

### ارکان پدیدگی تروریسم در جنوب‌شرق ایران

گفته شد که هر پدیده‌ی مورد بررسی در نظریه‌ی داده بنیاد، از ۶ رکن اصلی برخوردار است که عبارتند از: ۱. چرا؟ ۲. چگونه؟ ۳. چه چیزی (موضوعی)؟ ۴. کجا؟ ۵. چه کسی یا سازمانی؟ ۶. چه زمانی؟

نخستین رکن، به انگیزه‌ها، علل و شرایط هر پدیده مربوط بوده و از این رو، شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، در زمره‌ی پاسخ به رکن «چرا؟» طبقه‌بندی می‌گردند.

رکن دوم، روش و روند عمل یا تعامل با پدیده‌ی مورد بررسی را بیان می‌کند.

رکن سوم بیانگر آن است که موضوع مورد بررسی چیست. بنابراین، «تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی دهه‌های هشتاد و نود جنوب شرق ایران» موضوع در جریان این پژوهش می‌باشد.

رکن چهارم به عامل یا عاملان پدیده‌ی مورد بررسی می‌پردازد که در این پژوهش، گروهک تروریستی جندالله را شامل می‌شود.

رکن پنجم عنصر مکانی را مد نظر دارد که در این پژوهش، دو مفهوم از مکان مورد نظر واقع شده است: یکی، مکان جغرافیایی که شامل استان سیستان و بلوچستان می‌شود و دیگری، فضای رسانه و نیز فضای سایبر، اعم از سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌باشد. رکن ششم نیز درباره‌ی زمان است که در پژوهش حاضر، دهه‌های هشتاد و نود خورشیدی مورد مطالعه قرار گرفته است.

در نهایت، از پیوند و ارتباط ارکان شش‌گانه‌ی یادشده، پیامدهایی منتج می‌گردد که در سطح کدگذاری محوری، به شرح جدول ۳ (پیوست)، صورت‌بندی گردیدند.

### ارتباط مقوله‌های اصلی و فرعی

ارتباط میان مقوله‌های اصلی و فرعی یک پدیده، با مشخص کردن ارکان شش‌گانه‌ی آن پدیده مشخص می‌گردد (استراوس و کربین، ۱۳۹۵). بنابراین، ارتباط میان مقوله‌های اصلی و فرعی به دست آمده از داده‌های پژوهش حاضر، بر اساس مشخصه‌های چرا؟ چگونه؟ کی؟ کجا؟ به شرح جدول ۴ تعیین می‌گردد.

جدول ۴: مقوله‌های اصلی و فرعی پدیده‌ی تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
ساختار، اهداف و کارکردهای رسانه و فضای مجازی برای گروهک‌های تروریستی جنوب شرق ایران	مزیت‌های رسانه و فضای مجازی اهداف رسانه و فضای مجازی کارکردهای رسانه و فضای مجازی
آسیب‌های ناشی از بهره‌مندی گروهک‌های تروریستی از رسانه و فضای مجازی	چالش‌های امنیتی چالش‌های سیاسی چالش‌های اجتماعی چالش‌های فرهنگی
سادگی استفاده از رسانه و فضای مجازی	همه‌گیری استفاده از رسانه و فضای مجازی ضعف سواد رسانه‌ای باورپذیری رسانه و فضای مجازی
امن و گمنامی فعالیت در رسانه و فضای مجازی	عدم موفقیت فیلترینگ ناشناس بودن عدم وابستگی و پایبندی رسانه و فضای مجازی به سیاست‌های نظام

فرهنگ‌سازی در خصوص استفاده از رسانه و فضای مجازی	مدیریت و تولید محتوا
شفاف‌سازی و بیان واقعیت‌ها و حقایق	
تضعیف گفتمان خشونت و تکفیر	
ترویج گفتمان اتحاد ملی و تقریب مذاهب	
آموزش سواد رسانه	آموزش
آموزش لیدرهای شبکه‌های مجازی	
آموزش کاربران	
اطلاع‌رسانی دقیق، سریع، شفاف، صحیح، متنوع و به‌روز	تبادل سریع و آسان اطلاعات
راه‌اندازی و تقویت شبکه‌های بین‌المللی	استفاده از امکانات رادیو و تلویزیون
پرداختن رسانه‌ی ملی به همه اقوام، ادیان و مذاهب کشور	بیگانه
افزایش جذابیت رسانه‌های داخلی برای مردم	
راه‌اندازی وبلاگ‌ها و سایت‌های پاسخگو به شبیهات	راه‌اندازی سایت و وبلاگ
معرفی و افشای نیت واقعی سایت‌ها	
وبلاگ‌های معاند	
راه‌اندازی پیج و کانال متقابل	راه‌اندازی برگه (پیج) و کانال در شبکه‌های مجازی
حضور در پیج و کانال آن‌ها و انجام مباحثه‌های روشن‌گرانه	
افشای نیت سوء تروریست‌ها	
گسترش فرهنگ صلح و دوستی	فرهنگ‌سازی
ترویج فرهنگ قرآنی	
بیان مشترکات دینی و پرهیز از تفرقه	
رفع تبعیض قومیتی	عدالت‌گستری
رفع تبعیض مذهبی و عقیدتی	
توسعه و پیشرفت منطقه‌ای	
توسعه‌ی اقتصادی و اشتغال‌زایی	
راهکارهای فناورانه	راهکارهای پیشگیرانه
راهکارهای آموزشی و فرهنگی	

---

 راهکارهای نظارتی و کنترلی
 

---

### پارادایم

مدل پارادایمی، مدلی صوری است که در آن، مقوله‌های عمده حول مقوله‌ی هسته، به تصویر کشیده شده و روابط میان آن‌ها ترسیم می‌گردد. همچنین بیان گردید که هر مدل پارادایمی زمینه‌ای از سه جزء: ۱. شرایط یا بسترها، ۲. تعامل، راهبردها یا فرایندها و ۳. پیامدها، برخوردار است. از سویی دیگر، پارادایم، الگو و چارچوبی است که زوایای مختلف یک پدیده را صورت‌بندی کرده و آن را برای تحلیل، فرآوری می‌کند. با این مقدمه، «تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی جنوب شرق ایران» به عنوان یک پدیده‌ی نوظهور و دارای ابعاد گسترده، یک پارادایم به شمار می‌آید. بنابراین و با توجه به آنچه گفته شد، در این پارادایم، ساختار و فرایند پدیده باید در یک سامانه و منظومه‌ی یکپارچه، با همدیگر در ارتباط باشند. در این راستا، شرایط علی «تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی جنوب شرق ایران» شامل ساختار، اهداف و کارکردهای رسانه و فضای مجازی، می‌باشد. همچنین، پدیده‌ی محوری این پارادایم، تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی جنوب شرق کشور و مشتمل بر آسیب‌هایی در زمینه‌های گوناگون امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. شرایط زمینه‌ای این پارادایم، عبارت است از: سادگی استفاده از رسانه و فضای مجازی، ارزان و در دسترس بودن آن و نیاز به ارتباطات امن و تبادل سریع و آسان اطلاعات. همچنین شرایط مداخله‌گر آن نیز شامل عواملی چون امنیت نسبی فعالیت در فضای مجازی (گمنامی) و خودمختاری و خودگردانی رسانه و فضای مجازی می‌باشد. دیگر آن که راهبردها و روش عمل/تعامل عبارت است از: استفاده از امکانات رادیو و تلویزیون بیگانه، راه‌اندازی سایت و وبلاگ، راه‌اندازی برگه (پیج) و کانال در شبکه‌های مجازی، آموزش، فرهنگ‌سازی، تبادل اطلاعات و اخبار، عضوگیری.

بنابراین، صورت‌بندی پارادایمی پژوهش حاضر چنین است که پدیده‌ی تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی جنوب شرق ایران، با شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر و کاربست راهبردها، چه پیامدهایی را در پی دارد؟ پیامد آن، عبارت است از چالش‌های امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که مجموع آن‌ها را «آسیب‌های بهره‌مندی تروریست‌ها از رسانه و فضای مجازی» نام نهاده و اذعان می‌دارد که پیامد به‌کارگیری الگوی پارادایمی، باعث درک بهتر تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی جنوب شرق ایران، به منظور کمک به تصمیم‌سازان و برنامه‌ریزان در جهت پیشگیری و تقابل با این تاثیر و بازنگری در روش‌های مقابله با بهره‌مندی گروهک‌های تروریستی از

رسانه و فضای مجازی، کاهش پایگاه مردمی تروریست‌ها، محدودسازی اشراف اطلاعاتی آن‌ها، خواهد شد.

### کدگذاری انتخابی

آخرین مرحله و به عبارتی سطح سوم تحلیل داده‌ها در شیوه‌ی گراند تئوری، کدگذاری انتخابی یا گزینشی است که به منظور یکپارچه‌سازی و پالایش نهایی مقوله‌ها انجام می‌گیرد (استراوس و کربین، ۱۳۹۵). به منظور رسیدن به این خواسته، مرتبط ساختن مقوله‌های اصلی، ضرورت دارد. بدین منظور و در جهت یکپارچه ساختن موضوع، از تکنیک «خط داستان» استفاده می‌گردد.

### خط داستان

پژوهش حاضر در خصوص تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی دهه‌های هشتاد و نود در جنوب شرق ایران بوده که به منظور دستیابی به اطلاعات و داده‌های مورد نیاز، اقدام به مصاحبه با ۲۶ تن از صاحب‌نظران و خبرگان حوزه‌ی امنیت، رسانه و فضای مجازی و نیز افراد متأثر و یا تاثیرگذار در اقدامات تروریستی مذکور گردید.

در بیشتر مصاحبه‌های صورت گرفته، ذهنیت مصاحبه‌شوندگان درگیر شدت و وخامت اقدامات تروریستی مورد بحث بود تا مقوله‌ی بهره‌برداری تروریست‌ها از رسانه و فضای مجازی و از آنجایی که پژوهش، نیازمند اطلاعات بیشتری در زمینه‌ی ساختار و ماهیت و روند شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی جنوب شرق کشور داشت، روند ارائه‌ی پرسش‌ها به گونه‌ای طراحی شد که از پرسش‌های بنیادی به سوی برآورده شدن نیاز به دریافت اطلاعات در خصوص تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی مذکور، سوق داده شود.

از مهم‌ترین تاثیرات رسانه و فضای مجازی بر اقدامات تروریستی یادشده، بحث هویت‌سازی است که این موضوع، با توجه به دور بودن منطقه از مرکز و نیز محرومیت‌های ریشه‌دار و کم‌توجهی تاریخی به جنوب شرق کشور، در فضای مجازی دنبال گردید. چرا که امروزه، شبکه‌های اجتماعی با از بین بردن فاصله‌های جغرافیایی و نیز مرزهای سیاسی، امکان ارتباط و تبادل اطلاعات در گستره‌ی جهانی را برای همه کاربران فراهم ساخته و چه بسا، بازتاب اقدامات تروریستی منطقه در فضای مجازی، ضمن هویت‌سازی برای گروهک‌های تروریستی، به دلیل جلب توجه جهانی به سوی این منطقه، از سوی برخی مردم نیز مورد استقبال قرار می‌گرفته است.

دسترسی ساده و آسان به انواع شبکه‌های اجتماعی، این امکان را برای تروریست‌ها فراهم می‌سازد که به صورت آشکار و نهان، مستقیم و غیرمستقیم، از این امکان به منظور پیشبرد اهداف و نیز فعالیت‌های خود، بهره ببرند و با آگاهی از این که ردیابی فعالیت آن‌ها به علت کاربست فیلترشکن‌ها و وی‌پی‌ان در این‌گونه شبکه‌ها، دشوار و گاه نشدنی است، بیش از دیگر انواع رسانه‌ها، به این

شبکه‌ها روی آورند. مصاحبه‌شوندگان، در تحلیل‌های خود به ناکارآمدی راهکارهای فناورانه به منظور مقابله با این رویکرد تروریست‌ها اذعان داشتند.

افزون بر بحث هویت‌سازی و مساله‌ی جلب توجه افکار عمومی که توسط تروریست‌ها، در فضای مجازی دنبال می‌شود، آن‌ها از این امکان به عنوان پل ارتباطی و رسانه‌ای خبری نیز بهره‌جسته و اطلاعات و اخبار فعالیت‌های خویش را در این رسانه‌ها به اطلاع عموم رسانده و از سوی دیگر، با امکان تبادل و تعامل در این رسانه‌ها، اطلاعات و اخبار مورد نیاز خود را نیز از طریق این شبکه‌ها از منابع خبری خود در مناطق گوناگون، دریافت می‌کرده‌اند.

نکته‌ی قابل توجه دیگری که در مصاحبه‌ها بدان اشاره شد، دمیدن برخی شبکه‌ها و شخصیت‌های شیعی بر آتش اختلاف مذهبی و پخش برخی تصاویر و اخبار و نیز برنالمه‌های توهین‌آمیز بر ضد باورهای اهل سنت در رسانه‌های مرتبط با آنهاست که موجب جریحه‌دار شدن عواطف و احساسات اهل سنت کشور شده و زمینه را برای بهره‌برداری جریان سلفی-تکفیری از این اختلاف در جهت توجیه اقدامات تروریستی خود، آماده می‌سازد.

برابر تحلیل محاصبه‌شوندگان، از راهبردهای لازم برای مقابله با این رخداد، برخورد با جریان‌های تفرقه‌انگیز و حرکت به سوی تقریب مذاهب، نه در شعار و همایش‌های رنگین، بلکه در میدان و با اقدامات عدالت‌محور در عرصه‌های گوناگون سیاسی-اجتماعی و... می‌باشد.

بر اساس تحلیل مصاحبه‌شوندگان، گروهک‌های تروریستی منطقه‌ی جنوب شرق کشور، از ابزار فضای مجازی به منظور ایجاد ارباب و گسترش ترس در میان مردم منطقه استفاده کرده و با پخش تصاویر اقدامات تروریستی خود، از جمله گروگانگیری‌ها و... سعی در نمایش تاثیرگذاری خود بر امنیت منطقه و نیز تحت تاثیر قراردادن اذعان عمومی داشته‌اند. از این‌رو، فعالیت این گروهک‌های تروریستی با زمینه‌های فکری تکفیری، چالش‌ها و آسیب‌های گوناگونی در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحمیل کرده است. فلذا مقابله با این فرایند، نیازمند راهبردها و عمل-تعامل‌های گسترده و سازماندهی شده می‌باشد.

مصاحبه‌شدگان این پژوهش، راهکارهای صورت گرفته تا کنون را ناکافی، ناکارآمد، ناموفق و البته بسیار اندک دانسته و کنترل و نظارت بر فعالیت‌های رسانه‌ای و فضای مجازی تروریست‌های منطقه را مستلزم رصد پیوسته و لحظه به لحظه‌ی آنان از یک‌سو و آموزش و آگاهی‌افزایی کاربران به منظور خودنظارتی و خودکنترلی در برابر فعالیت‌های رسانه‌ای تروریست‌ها دانسته‌اند. برابر تحلیل آنان، بدون همکاری کاربران فضای مجازی، هرگونه مقابله با فعالیت تروریست‌ها در رسانه و فضای مجازی، عقیم خواهد ماند. فلذا، مهم‌ترین نیاز این مقابله، شفافیت اطلاعاتی و کسب اعتماد عمومی به منظور کاهش و از بین بردن اعتماد مردم، بویژه اهل سنت منطقه و کشور به گروهک‌ها می‌باشد.

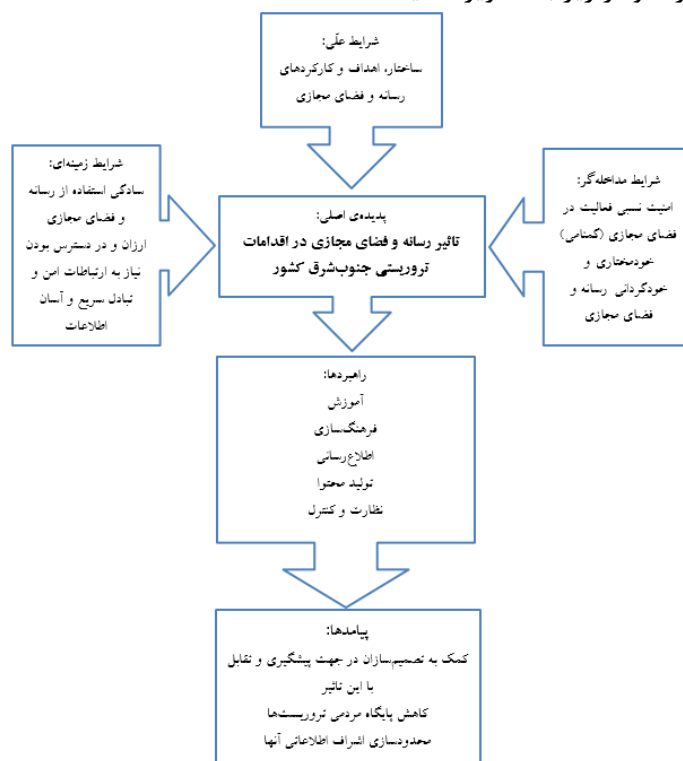


### مقاله‌ی مرکزی

مقاله‌ی مرکزی، نتیجه و حاصل کلیه‌ی تحلیل‌های پژوهش می‌باشد و روند انجام پژوهش را به صورت اجمالی، نشان می‌دهد و آن را می‌توان اندیشه‌ی کنونی پژوهش برشمرد. در این پژوهش، مقاله‌ی مرکزی، تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی جنوب شرق کشور و راه مقابله با آن را تبیین می‌کند. بنابراین، با توجه به مقاله‌های اصلی ذکر شده در جدول ۴، مقاله‌ی «راهبردهای پیشگیرانه» به عنوان مقاله‌ی مرکزی پژوهش حاضر، انتخاب می‌گردد.

این مقاله مشتمل بر راهکارهای فناورانه، راهکارهای آموزشی و فرهنگی، راهکارهای نظارتی و کنترلی می‌باشد که شامل ۵ راهکار جزئی (۱) آموزش، (۲) فرهنگ‌سازی، (۳) اطلاع‌رسانی، (۴) تولید محتوا، (۵) نظارت و کنترل، می‌باشد.

الگوی یادشده، در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است:



شکل ۱. پارادایم تاثیر رسانه و فضای مجازی در اقدامات تروریستی جنوب شرق ایران

### نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، نخست به راهکارهایی که به منظور مقابله با بهره‌برداری‌های گروهک‌های تروریستی جنوب شرق کشور از ابزارهای رسانه‌ای صورت گرفته است، پرداخته می‌شود که عبارتند از:

- وبسایت‌هایی برای مقابله با آن‌ها راه اندازی شده. همچنین صدا و سیما تلاش‌هایی برای تولید و پخش برنامه به منظور روشنگری علیه فعالیت‌های آن‌ها انجام داده است.
- در بین سال‌های ۸۴ تا ۸۹ یک تیم رسانه‌ای فعال در صداوسیما زاهدان علیه گروهک برنامه می‌ساخت و تقریباً همه عملیات‌های گروهک را مورد خدشه قرار می‌داد. به گونه‌ای که مالک ریگی بعد از دستگیری از اینکه برای هر عملیات او شبهه و ضعف و نقص در رسانه مطرح می‌شود ناراحت بود و می‌گفت به خاطر همین قصد داشته که در این سفر شبکه رسانه‌ای راه بی‌اندازد.
- تاکنون در فضای حقیقی و فیزیکی (سخت‌افزاری) تقابل‌های متعدد و اساسی علیه گروهک جندالله انجام شده است؛ اما در زمینه نرم‌افزاری و رسانه‌ای؛ اقدامات چشمگیر و اساسی صورت نگرفته و اقدامات اندکی هم بوده بسیار پراکنده و از سازماندهی یکسان نهادهای امنیتی-سیاسی استان برخوردار نبوده و بیشتر حالت جزیره‌ای داشته است.
- بیشترین استفاده از مستندسازی‌های رسانه ملی گردیده در کنار آن محتوای تولیدی در رسانه‌های مکتوب و مجازی مورد استفاده قرار گرفته است.

در این راستا، اقدامات پیشگیرانه‌ای که به منظور مقابله با بهره‌برداری‌های گروهک‌های تروریستی جنوب شرق کشور از ابزارهای رسانه‌ای صورت گرفته است، بدین شرح است:

حدود ده سال است که اقدامات نظامی در جنوب شرق علیه گروهک‌ها پشتوانه رسانه‌ای قوی ندارد و هزینه‌ای برای آن نمی‌شود. اما در شش سال بین ۸۴ تا ۹۰ و بخصوص در زمان دستگیری مالک ریگی اقدامات رسانه‌ای قوی صورت گرفت به گونه‌ای که به گفته‌ی مسئولان، ۳۰۰ نفر از اعضای گروهک، پس از دستگیری مالک ریگی و اقدام رسانه‌ای خود را معرفی کرده و امان نامه گرفتند. بنابراین، باید به طرح‌های ذیل توجه شایان کرد:

۱. جذب نیروی بسیجی طرح امنیت از میان جوانان اهل سنت، ۲. اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری در مناطق سنی نشین، ۳. برگزاری همایش‌های مختلف با موضوع تحکیم وحدت قومی و مذهبی.
- بنابراین، راهکارهای پیشنهادی به منظور مقابله با بهره‌برداری‌های گروهک‌های تروریستی جنوب شرق کشور از ابزارهای رسانه‌ای بدین شرح بیان می‌گردد:
- تولید برنامه‌های روشنگرانه. مصاحبه با نادمین این گروه. مصاحبه با شخصیت‌های تاثیرگذار اهل سنت و پخش آن از کانال‌های تلویزیونی و فضای مجازی

با توجه به این که رسانه ابزار بزرگ نمایی و برجسته‌سازی اقدامات تروریستی آن‌ها است برای مقابله هم باید از نسخه رسانه‌ای استفاده کرد؛ همان‌گونه که اولین شکست گروهک تروریستی جندالله زمانی رخ داد که یک بسیجی به نام مسلم کیخا، تصویربردار گروهک موسوم به شنبه‌زهی را دستگیر کرد. محتوای فیلم این عنصر گروهک سبب شد مردم با اهداف پلید آنان آشنا شوند و حتی بسیاری از مردم بلوچ، راه خود را جدا کنند، بزرگ‌ترین ضربه‌ی دیگر گروهک زمانی بود که فیلم مناظره‌ی مالک ریگی و خانواده‌ی شهدای حادثه پیشین سرباز تولید و منتشر شد. این اقدام آنقدر برای گروهک سخت بود که مدتی بعد، دو نفر از علمای اهل سنت این مناظره را به شهادت رساند.

همان‌طور که در بخش سخت‌افزاری با گروهک جندالله مقابله شده و می‌شود، باید در بخش نرم‌افزاری و رسانه‌ای نیز اقداماتی به مانند اقدامات سخت‌افزاری انجام بپذیرد. بعضاً اقدامات کاری و اساسی در میدان حقیقی و واقعی علیه این گروهک‌ها انجام می‌شود؛ اما آن‌طور که باید و شایسته است در بحث رسانه‌ای اقدامی صورت نمی‌گیرد و چه بسا برخی مواقع این گروهک با رسانه‌های خود، تمام تلاش خود را می‌کند تا آن‌ها را کمرنگ و حتی تکذیب می‌مند.

محتوای رسانه‌ای با کمترین میزان توجه به دسته بندی مخاطب تولید شده‌اند به طوری که بیشترین مصرف در مخاطبین دارای مذهب شیعه بوده و کمترین تاثیر را در جامعه اهل سنت داشته است به گونه‌ای که در پس‌زمینه‌ی فکری آنان نوعی خشنودی از اقدامات تروریستی به ظاهر حق طلبانه به چشم می‌خورد. بنابراین، تولیدات رسانه‌ای باید با مطالعه بر ذائقه‌ی این نوع مخاطبان انجام شود. همچنین اقدامات پیشگیرانه به منظور مقابله با بهره‌برداری‌های گروهک‌های تروریستی جنوب شرق کشور از ابزارهای رسانه‌ای، بدین ترتیب پیشنهاد می‌گردد:

تولید برنامه و خنثی سازی تبلیغات رسانه‌ای آنها. انعکاس واقعیت‌ها و جلوگیری از سانسور و پخش اخبار جعلی به گونه‌ای که اعتماد مخاطب جلب شده و اخبار، برنامه‌ها و تولیدات رسانه‌های علیه این گروه مورد قبول مردم قرار بگیرد.

افزایش نیروهای متخصص رسانه‌ای در جنوب شهر حمایت از نیروهای نخبه آشنا با منطقه و اعزام به این منطقه و افزایش تجهیزات رسانه‌ای همچنین ایجاد چند سایت (کانال، صفحه و گروه) به زبان‌های پشتو، و بلوچی ویژه مناطق پاکستان هم‌مرز با ایران ایجاد کرد تا جلوی برخی تخریب‌ها سوء ظن‌ها و بدگمانی‌ها و بیان موضوعات با محوریت تقرب مذاهب ایجاد شود.

باید به شدت به تقابل با رسانه‌های گروهک‌ها رفت و تنها به شبکه‌های اجتماعی داخلی و خبرگزاری‌های داخلی اکتفا نکرد و با حضور در بستر پلتفرم‌های اجتماعی خارجی، لحظه به لحظه فعالیت‌های رسانه‌ای آن‌ها را رصد و برای اقدامات روانی آن‌ها، بسته‌های تقابلی ارائه کرد. متأسفانه مدیران و مسئولین نظامی-امنیتی و حتی سیاسی استان سیستان و بلوچستان به دلیل عدم فعالیت

در شبکه‌های اجتماعی و نداشتن آگاهی کامل از فعالیت‌های این گروهک‌ها، بعضاً با اظهارات و مصاحبه‌های خود، حتی فرصت‌یابی را به این گروهک‌ها می‌دهند تا بتوانند بیشتر به اهداف و انگیزه‌های خود مشروعیت ببخشند.

۱. رفع ابهام ایجاد شده در جامعه‌ی اهل سنت به عنوان شهروند درجه ۲
۲. مطرح ساختن مولوی‌های همراهنظام و حمایت‌های رسانه‌ای از آنان
۳. معرفی آثار اقدامات انجام‌دشه در مناطق مختلف استان بویژه مناطق سنی نشین با هدف اطلاع‌رسانی عدم وجود تبعیض آمیز نظام به اقلیت‌های مذهبی.
۴. توجه به آثار طنز در بازخوردهای رسانه‌ای.

## منابع و مآخذ

- ابوطالبی، ع. (۱۳۹۵). **رابطه رسانه‌ها و فضای مجازی با گروه‌های تروریستی**. اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی.
- آدمی، ع. و نکویی، س. ا. (۱۳۹۷). نقش و جایگاه رسانه در راهبردهای گروه‌های سلفی جهادی و تأثیر آن بر خاورمیانه. **فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین**، ۴(۱۳)، ۲۹۴-۳۲۵.
- آرایش، ح.، بابایی پهنه کلایی، س. ح. و فرضعلی سالاری سردری، ف. (۱۳۹۷). **هجمه تروریسم؛ تاوان هویت تحول خواه نظام جمهوری اسلامی ایران**. **فصلنامه راهبرد سیاسی**، ۲(۶)، ۹۹-۱۱۵.
- استراوس، ا. و کرین، ج. (۱۳۹۵). **مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای** (ا. افشار، مترجم). تهران: نشر نی.
- اسدالهی، ح. و توکلان، ع. (۱۳۹۸). **راهکارهای انتظامی مقابله با گروهک‌های تروریستی نواحی مرزی جنوب شرق کشور**. **پژوهشنامه مطالعات مرزی**، ۷(۲۴)، ۱۳۹-۱۶۱.
- افتاده، ج. (۱۳۹۴). **تحلیل شبکه‌های اجتماعی**. تهران: نشر ثانیه.
- اقبال، آ. (۱۳۹۹). **تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، رشته ارتباطات و علوم اجتماعی.
- آلبرس، د. و پاپ، د. (۱۳۸۵). **گزیده‌ای از عصر اطلاعات** (ع. علی‌آبادی، و ر. نخجوانی، مترجمان). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- آلتوسر، ل. (۱۳۸۶). **ایدئولوژی و سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت** (ر. صدر آرا، مترجم). تهران: نشر چشمه.

- امراللهی بیوکی، م. (۱۳۹۴). سلاح‌های سایبری، الگوهای جاسوسی، شنود و رصد، بررسی و پیاده‌سازی موردی در بدافزارهای بانکی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قم، دانشکده فنی و مهندسی.
- بارکر، ک. (۱۳۸۷). مطالعات فرهنگی نظریه و عملکرد. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- برجعلی‌زاده، م.، جعفری، ع.، و کردی، ن. (۱۳۹۸). بررسی نقش رسانه‌های نوین در گسترش تروریسم در عرصه بین‌الملل. *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، ۹(۲۰)، ۱۴۳-۱۷۶.
- بروجردی علوی، م.، و صدیق یزدچی، ا. (۱۳۹۶). تاثیر فضای مجازی بر هویت ملی و قومی در ایران. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۳(۱۲)، ۸۷-۱۱۰.
- تافلر، ا. (۱۳۷۰). *جابجایی قدرت* (ش. خوارزمی، مترجم). تهران: نشر نو.
- خلیلی‌پور رکن‌آبادی، ع.، و نورعلی‌وند، ی. (۱۳۹۱). *تهدیدات سایبری و تأثیر آن بر امنیت ملی*. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۵(۵۶)، ۱۶۸-۱۹۹.
- سلیمی، ا.، امیری، س.، کیانی، ج.، و سلیمی، ع. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل مؤثر بر تسهیل اقدامات تروریستی در شرق کشور. *پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۴(۱۴)، ۱۳۷-۱۵۲.
- دودینگ، ک. (۱۳۸۰). *قدرت* (ع. مخبر، مترجم). تهران: نشر آشیان.
- دهخدا، ع. ا. (۱۳۸۸). *لغتنامه* (جلد ۴). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهقان، ی.، فروزان‌نیا، م.، کاظمی، م. ر.، و یاقوتی، ع. ا. (۱۳۹۰). *عملیات‌های تروریستی در استان سیستان و بلوچستان: تاثیرپذیری آن از تروریسم بین‌المللی (با تاکید بر گروهک جندالشیطان)*. زاهدان: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سیستان و بلوچستان.
- دهمرده، م.، و شجاعی، م. (۱۳۹۲). *بررسی عوامل تنش‌زای ایران و پاکستان*. تهران: نشر ژیک.
- رنجبر، ف. (۱۳۹۳). *ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی با اعتماد اولیه خریداران اینترنتی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی، رشته مدیریت بازرگانی.
- روزنا، ج. (۱۳۹۰). *انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری‌های جدید* (ع. طیب، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سلطانی‌نژاد، ا.، جمشیدی، م. ح.، و پوردست، ز. (۱۳۹۵). *دگرگونی مفهوم قدرت در پرتو فناوری نوین اطلاعاتی-ارتباطی*. *دوفصلنامه دانش سیاسی*، ۱۲(۱)، ۷۳-۹۸.
- سورین، و.، و تانکارد، ج. د. (۱۳۸۱). *نظریه‌های ارتباطات* (ع. دهقان، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- سیمبر، ر. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر تروریسم سایبری و امنیت دیجیتال*. گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.
- شاه‌علی، ا. ر.، و موحدیان، ا. (۱۳۹۱). *تروریسم دولتی در فضای مجازی و راهکارهای مقابله با آن*. فصلنامه رسانه، ۲۳(۲)، ۲۵-۴۶.
- صدیپور، س. ا.، جمشیدی، م. ح.، و اسلامی، م. (۱۳۹۵). بررسی ساز و کار نوین دیپلماسی عمومی بر مبنای نظریه قدرت نرم جوزف نای. *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، ۶(۱)، ۱۳۰-۱۵۲.
- عامری، ه. (۱۳۹۱). *اصول روابط بین‌الملل* (ویراست ششم). تهران: نشر آگه.
- عبدی، م. (۱۳۹۵). *تروریسم سایبری علیه ایران*. کنفرانس ملی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی. پایگاه مرکز اطلاع‌رسانی جهاد دانشگاهی.
- عراقچی، س. ع.، دهشیری، م. ر.، و جوزانی کهن، ش. (۱۳۹۵). *تروریسم و فضای مجازی در خاورمیانه (بررسی موردی داعش)*. تهران: نشر شانی.
- فرهنگی، ع. ا.، و عباسی، ح. (۱۳۹۷). طراحی مدل مقابله با چالش‌های تروریسم رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: مطالعه گروه داعش در شبکه‌های توییتر و فیس‌بوک). *دین و ارتباطات*، ۲۵(۵۳)، ۱۲۹-۱۵۶.
- کاستلز، م. (۱۳۹۸). *قدرت ارتباطات* (ح. بصیریان جهرمی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- کایدنژاد، ر. (۱۳۹۵). *زمینه‌ها و اهداف شکل‌گیری گروه‌های سلفی-تکفیری در جهان اسلام*. تهران: علم‌استادان.
- ملک، ک. ر. (۱۳۹۴). *گسترش تفکر وهابیت در پاکستان و راهکارهای جلوگیری از آن*. قم: نشر المصطفی (ص).
- ناجی‌راد، م. ع. (۱۳۹۷). *جهانی شدن تروریسم*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- نورمحمدی، م. (۱۳۹۰). *گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و تحول پدیده امنیت* (رساله دکترای تخصصی). دانشگاه علامه طباطبایی.
- یزدان‌پناه درو، ک.، و کامران، ح. (۱۳۹۴). *تروریسم در فضای مجازی و اثرات آن بر حوزه جغرافیای سیاسی*. *جغرافیا*، ۱۳(۴۴)، ۲۵-۴۵.

## References

- Eriksson, J., & Giacomello, G. (2007). *International Relations and Security in the Digital Age*. London: Routledge.
- Goldberger, M. (1995). *Research-Doctorate Programs*. Washington, D.C.: National Academy Press.
- Hall, S. (1995). The local and the global: globalization and ethnicity. Retrieved

from <http://depthome.brooklyn.cuny.edu/aod/Text/Hall.pdf>

- Hare, F. (2010). *The Cyber Threat to National Security: Why Can't We Agree?* CCDCOE Publications. Tallinn, Estonia.
- Kopley, T. (1994). *Religious Education: Developing Primary Teaching Skills*. London: Routledge.
- Larousse, P. (1964). *Grand Larousse encyclopédique en dix volumes*. Paris: Librairie Larousse.
- Mahzam, R. (2015). *The Electronic Digitization of ISIS: Building a Multi-Media Legacy*. *S. Rajaratnam School of International Studies (RSIS)*.